

بررسی و تحلیل اوضاع اقتصادی عصر طلایی اندلس در دوره حاکمیت عبدالرحمن الناصر ۳۰۰-۳۵۰ هجری قمری و حکم المستنصر ۳۵۰-۳۶۶ هجری قمری

سمیه کسائیان

گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران

ستار عودی

استاد گروه تاریخ، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

نصراله پور محمدی املشی

دانشیارگروه تاریخ دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین

مجله علمی پژوهشی تاریخ-شماره ۵۹- زمستان ۹۹ صفحه ۵۷-۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۷/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۴

چکیده

در اواخر قرن سوم هجری، در شرایطی که اوضاع نابسامان اندلس خبر از زوال حاکمیت اسلامی در این سرزمین می‌داد، با روی کارآمدن الناصر و حکم المستنصر فصلی جدید به نام عصر طلایی در تاریخ ثبت شد که پیامد آن بازگشت آرامش و وحدت به اندلس بود. وضعیت اقتصادی اندلس در این دوره، مقوله مهمی است که در سایه تحولات سیاسی و نظامی کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. در این پژوهش برآنیم به روش توصیفی-تحلیلی، از لابه‌لای منابع تاریخی حیات اقتصادی اندلس را ترسیم کرده و به این سوال پاسخ دهیم که مهمترین پیامدهای اقتصادی در عصر حاکمیت عبدالرحمن الناصر و حکم المستنصر چه بوده است؟ نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از این است که اقدامات و تدابیر اقتصادی الناصر و پسرش در راستای اعمال قوانین مالیاتی بر اساس عقائد دینی، اجرای شیوه‌های نوین در کشاورزی، رشد صنعت نساجی و پیوند بازار تجاری اندلس با بازارهای مدیترانه و شرق، تاثیر شگرفی در تحولات اقتصادی عصر طلایی داشته و تاییدی بر حاکمیتی باتدبیر، در این برهه زمانی است که با توجه به آن می‌توان به الگویی مناسب برای پیشرفت جوامع اسلامی دست یافت.

واژگان کلیدی: اندلس، عصر طلایی، شکوفایی اقتصادی، عبدالرحمن الناصر، حکم المستنصر.

وضعیت اقتصادی اندلس-علی‌رغم موقعیت جغرافیای و طبیعت بسیار خوب و غنی- تا پیش از ورود مسلمانان به این سرزمین، به دلیل سیاست‌های حاکمان آن، یعنی گوتها، درگیری‌های سیاسی و آشفتگی‌های داخلی، حالتی آشفته داشت و به گواهی تاریخ، هیچ گونه اثری از پیشرفت اقتصادی وجود نداشت؛ بی‌عدالتی و بی‌کفایتی به‌حدی جامعه را فراگرفته بود که انگیزه‌ای برای توجه به عمران و آبادانی، رفاه، کشاورزی، تجارت و ... وجود نداشت. ورود فاتحان مسلمان به این سرزمین، نقطه امید برای مردم به‌شمار می‌آمد؛ مسلمانان با ورود به اسپانیا تحول عظیم فرهنگی و اقتصادی ایجاد کردند؛ چنان‌که گوستاو لوبون در کتاب «تمدن اسلام و عرب» اذعان داشته است که مسلمانان در طول چند قرن، کشور اندلس را از نظر مالی و علمی به کلی دگرگون نموده و آن را تاج افتخاری بر سر اروپا قرار دادند. (لوبون، ۱۳۸۰: ص ۴۳۶) پس از فتح اسلامی، اقتصاد این سرزمین به طرز بی‌سابقه‌ای رو به شکوفا شدن نهاد و به‌واسطه فعالیت‌های کارآمد و مدبرانه عبدالرحمن الناصر ۳۵۰-۳۰۰ هجری قمری و پسرش حکم‌المستنصر ۳۵۰-۳۶۶ هجری قمری، در مدت زمان کوتاهی مراحل رشد و پیشرفت را طی کرد تا آنجا که شکوفایی اقتصادی اندلس که سرزمینی حاصلخیز با ثروت‌های فراوان طبیعی (کشاورزی، پرورش ماهی، باغداری، معادن طلا، نقره و فلزات با ارزش) بود؛ در اروپا زبان زد شد. توجه به این ثروت عظیم طبیعی از سوی مسلمانان و فراهم آوردن شرایط و امکان استفاده و بهره‌برداری از آنها باعث شد، آوازه برخی از شهرهای اندلس در زمینه‌های گوناگون صنعت مانند نساجی و بافندگی، ساخت زیورآلات و وسایل تزئینی، شیشه‌بری و سفال‌گری در همه‌جا بپیچد. گذشته از آن، تجارت هم که از مهم‌ترین ستون‌های اقتصادی اندلس بود که با نظارت مسلمانان و پیشرفت بندرگاه‌های المریه و مالقه، رو به‌روز شکوفاتر شد.

از آنچه گفته شد، می‌توان دریافت که بررسی فعالیت‌ها و وضعیت اقتصادی اندلس در عصر حاکمیت مسلمانان، در طی سال‌های حکومت عبدالرحمان سوم ملقب به الناصر و پس از او فرزندش حکم‌المستنصر، به‌عنوان جزئی از تاریخ اجتماعی این سرزمین از اهمیت شگرفی برخوردار است چرا که حکومت آن دو، سرمنشا تحولی شگرف در تاریخ تمدن اسلام شد که اصطلاحاً با عنوان عصر طلایی اندلس از آن نام برده می‌شود. پژوهش پیش رو با طرح این فرضیه که «دوران حکومت عبدالرحمان الناصر و سپس حکم‌المستنصر عصر طلایی تاریخ اندلس نه فقط در زمینه کنترل و کاهش بحران‌های داخلی و خارجی که حتی عصر شکوفایی و پیشرفت اقتصادی است» به بررسی و تحلیل دوران حکومت الناصر و حکم‌المستنصر پرداخته و در این راستا، زمینه‌هایی که منجر به

شکل‌گیری چنین عصری در تاریخ اندلس شده را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. با توجه به اینکه تحولات اقتصادی مادر تمامی تغییرات کلان می‌باشد سعی بر آن است تا با نمایش گوشه‌ای از سیر پیشرفت صنعت، تجارت، مشاغل و بازار و چگونگی ساماندهی اقتصادی عصر مذکور، به این مهم دست یابیم که اقدامات عبدالرحمن الناصر و پسرش چگونه زمینه‌ساز تحولات اقتصادی در اندلس شده و دست‌آوردهای حاکمان نام‌برده چه پیامدهایی را در پی داشته است که در پی آن اسپانیای مسلمان (اندلس) در سده ۴ ق از نظر اقتصادی از سایر کشورهای اروپایی بسی جلوتر بود.

پیشینه پژوهش

اندلس و حوادث آن در دوران حضور مسلمانان و حکومت‌های اسلامی در آنجا از موضوعات مهم در تاریخ سیاسی و اجتماعی اسلام بوده است و مطالعات و پژوهش‌هایی متعددی نیز در ارتباط با آن سرزمین، در قالب کتاب، مقاله و پایان‌نامه صورت گرفته است که ذکر همه آنها در این مختصر نمی‌گنجد و در ذیل به برخی از این آثار اشاره می‌شود:

- کتاب «تاریخ الدوله الامویه فی الاندلس» نوشته عبدالمجید نَعْنَعی، که به بررسی دولت امویان در اندلس از فتح اسلام تا سقوط خلافت اموی در این منطقه پرداخته است.

- «دوله الاسلام فی الاندلس» اثر نویسنده مشهور مصری، محمد عبدالله عنان، است که یک دوره تاریخ اندلس را از آغاز فتح اسلامی تا پایان حکومت مسلمانان در آن سرزمین با بررسی دقیق روایات آنها، به رشته تحریر درآورده است.

- «تحولات سیاسی و فرهنگی امویان اندلس در دوره عبدالرحمان سوم (الناصر)» عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد آقای احمد رجائی لک در سال ۱۳۹۱ است که به بررسی عواملی موثر در روی کار آمدن و قدرت‌گیری عبدالرحمان سوم و اقدامات سیاسی و فرهنگی الناصر در اندلس پرداخته است.

- لیلی احمد نجّار در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «العلاقات بین المغرب و الاندلس فی عهد عبدالرحمن الناصر (۳۰۰ - ۳۵۰ ه)» در دانشگاه ام القری مکه مکرمه، موضوع روابط اندلس با مغرب را در زمان الناصر و سیاست‌های فاطمیان در اندلس را مورد بررسی قرار داده است.

«اعلان عبدالرحمن الناصر الخلفه الامويه في الاندلس ۳۱۶ق/۹۲۹م و اثرها في العلاقات الخارجية» - عنوان مقاله ای از احمد حنتر غریب، نویسنده مقاله موضوع اعلان خلافت از سوی عبدالرحمان الناصر و تاثیر آن بر روابط خارجی او را مورد بررسی قرار داده است. و چندین اثر دیگر که علاوه بر تحولات سیاسی به بررسی وضعیت علمی و فرهنگی این برهه پرداخته‌اند.

طیبه غفاری هریس نیز در سال ۱۳۹۶، در پایان‌نامه خود با عنوان «نقش اندلس در انتقال تمدن اسلامی به غرب» با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف بررسی چگونگی تاثیرپذیری غرب از فرهنگ اسلامی، به این نتیجه رسیده که در طول هشت قرن حضور و حکومت مسلمانان در منطقه اندلس، شاهد شکوفایی علم و ادب و اوج فرهنگ و تمدن در آنجا هستیم.

بررسی‌های نگارنده حاکی از این است که علی‌رغم پژوهش‌های انجام شده، تا کنون پژوهش مستقلی که وضعیت اقتصادی اندلس، نشانه‌های پیشرفت و عوامل شکوفایی آن در عصر طلایی را مورد توجه قرار داده باشد، تالیف یا چاپ نشده است. و پژوهش‌های انجام شده، تحقیقات جامعی نیستند چرا که بیش از هر چیز بر حاکمیت سیاسی، نظامی و بعضاً فرهنگی عصر شکوفایی تکیه کرده‌اند.

وضعیت اقتصادی اندلس در زمان الناصر و حکم المستنصر

از زمان تاسیس حکومت امویان در اندلس در سال ۱۳۸ هجری قمری و تلاش امرای اولیه اموی تا عبدالرحمان اوسط، در ایجاد امنیت و ثبات عمومی و اقدامات عمرانی و تلاش آنها در آبادانی قلمروشان، اندلس رو به شکوفایی تجاری و اقتصادی گذاشت. خزانه آباد و ثروتمند آنان نیز به این امر کمک زیادی کرد. با شروع عصر فتنه و بی‌ثباتی که تقریباً صد و بیست سال اندلس را گرفتار اختلافات و آشوب‌های داخلی کرد، آسیب زیادی به تجارت و اقتصاد اندلس وارد شد و انسجام بر باد رفته این سرزمین، بیشترین آسیب را بر این بخش از جامعه اندلس وارد و هزینه‌های هنگفتی را به خود معطوف کرد که این امر به نوبه خود برای خزانه دولت ضربه سنگینی بود.

این روند ادامه داشت تا که با حاکمیت عبدالرحمان الناصر عصری جدید در حیات اقتصادی اندلس شروع و دوره خلافت وی، به عنوان ثروتمندترین حکومت در دوره قرون وسطی شناخته شد. این پیشرفت و شکوفایی اقتصادی ثمره امنیت و خزانه پر، بهبود در امور کشاورزی و صنعت و تجارت بود؛ لذا مردم به عبدالرحمان الناصر همچون یک قهرمان و منجی می‌نگریستند که دست‌آوردی برای آنان و کشورشان به ارمغان آورده که هیچ یک از امرای پیش از او نتوانسته بودند. در این دوره

تجارت، صنعت و زراعت چنان شکوفا شد که از هنگام تشکیل دولت اسلامی در اندلس سابقه نداشت و این امر نتایج مثبت برای خزانه دولت در قرطبه هم داشت و خزانه دولت که در دوره فتنه و آشوب خالی شده بود، در این عصر پر و ثروتمند شد. چنانکه گزارش مورخان از درآمدهای دولت تنها از بازار که به پنج میلیون و چهارصد و هشتاد هزار دینار می‌رسید، دلیلی بر این مدعا است. (مقری، ۱۴۱۹: ص ۳۷۹) این مبلغ غیر از خمس غنایمی بود که از شمارش خارج بودند و یا میزان مبالغ ناشی از مالیات بر درآمد که سالانه بیش از یک میلیون دینار بود و در زمان خلیفه المستنصر بسی افزون گشت. چنین رفاهی در اندلس این دوره در چندین مورد انعکاس یافت:

۱- ساختن شهرهای پادشاهی و هزینه کردن میلیون‌ها دینار در ساخت آن‌ها. از مشهورترین آن شهرها مدینه الزهراء بود که خلیفه الناصر بنای آن را آغاز و جانشینش حکم المستنصر ساخت آن را ادامه و مبالغی هنگفتی (سالانه سیصد هزار دینار) نیز برای تکمیل بنای شهر هزینه کرد. (مقری، ۱۴۱۹: ص ۲۶۵)

۲- اهمیت دادن به جریان علمی و بخشش در حق دانشمندان و خریداری کتاب‌های نفیس با مبالغی هنگفت. خلیفه حکم المستنصر به این امر توجه خاصی داشت تا جایی که با اموال بسیار و بخشش‌های هنگفت دانشمندان بزرگ مسلمان (از جمله ابوالفرج اصفهانی و قاضی ابوبکر ابهری مالکی) را مورد عنایت قرار می‌داد تا اولین نسخه از آثار آنان در اختیار دربار بنی امیه قرار گیرد. (ابن ابار، ۱۹۶۳: ص ۲۰۱)

همچنین درباره وضعیت اقتصادی این دوره، توجه به برخی اقدامات خلیفه الناصر در مقابله با برخی بحران‌های طبیعی در کاستن مشکلات اقتصادی سال‌های اولیه حکومتش لازم است؛ چنانکه اندلس همانطور که اشاره شد، در سال‌های اولیه حکومت الناصر قحطی شدیدی در سال‌های ۳۰۲-۳۰۳ ق روی داد و قوت و روزی مردم کم شد و همراه با خشک‌سالی، وبا و مرگ و میر نیز شیوع یافت. خلیفه الناصر اقدام به بذل و بخشش اموال و توزیع کمک میان مردم کرد و در این امر، بسیاری از مردان دولت را به کار گرفت. تلاش همین افراد، نقش برجسته‌ای در کاهش آثار چنین رنجی داشت. (ابن عذاری، ۱۹۸۳: ص ۱۶۶). حکومت اندلس در سال‌های بعد (۳۲۱ق، ۳۲۴، ۳۲۹) نیز شاهد چندین خشکسالی و حوادثی از قبیل آتش‌سوزی و بیماری‌های مسری بود که وضعیت اقتصادی اندلس را به خطر انداخته بود، اما در تمام موارد خلیفه اموال بسیاری را برای حل بحران‌های فوق

هزینه کرد تا از آسیب‌های اقتصادی ناشی از این بحران - به‌ویژه بر فقرا و نیازمندان - کاسته شود. (همان: ص ۲۳۶)

خلیفه الناصر، در این دوره دستور تنظیم دستمزدها و ثبت آن‌ها را صادر کرد. هم‌چنین در سال ۳۱۶ ق دستور داد تا ضرابخانه‌ای در داخل شهر قرطبه برای ضرب دینار و درهم در نظر گرفته شود و در کنار این‌ها اداره بازار، خزانه و زمین‌ها نیز بوده است. عموماً در دوره خلافت الناصر و المستنصر، استقرار سیاسی عامل مهمی بر فعال نمودن حرکت صنعت و تجارت بود و بدان‌ها کمک شایانی نمود.

زمینه‌های پیشرفت و رفاه اقتصادی در عصر طلایی اندلس

چنانکه پیش از این نیز اشاره شد، اوج شکوفایی اقتصادی اندلس، با روی کار آمدن عبدالرحمن الناصر و پیروزی‌هایی پیاپی همراه بود که آرامش را برای مردم این سرزمین به ارمغان آورد و با حمایت‌ها و تشویق‌های وی و پسرش حکم المستنصر، زمینه توجه بیشتر به پتانسیل‌ها و ثروت طبیعی اندلس و بهره‌وری از آن به‌ویژه در بخش کشاورزی، صنعت و موقعیت استراتژیکی اندلس در تجارت با سرزمین‌های اطراف و جذب ثروت را فراهم نمود.

رشد بخش کشاورزی

با وجود این که کشاورزی در دوره حضور رومی‌ها در شبه جزیره ایبری پیشرفت زیادی کرده بود، اما در سال‌های آخر زمامداری ویزیگوت‌ها دچار انحطاط و زوال شد. مسلمانان در فتح اندلس با سرزمینی مواجه شدند که مورخان و جغرافیدانان عرب حاصل‌خیزی آن را شرح و تحسین کرده بودند. آنان با بهره از اراضی حاصلخیز این سرزمین و سپس به کاربردن روش‌های خود در زمینه گیاه‌شناسی و کشاورزی و تلفیق مهارت‌های خود با ساکنان و به کارگیری آن در عمل، زمینه‌های غنا و پیشرفت عظیم در کشاورزی و دام‌پروری را فراهم آوردند. (ابن غالب، ۱۹۵۶: ص ۲۸۳) که به تصدیق اکثر مورخان، قوام زندگی و مهم‌ترین ثروت کشور اسپانیا در دوره اسلام به شمار می‌رفت. (سید ناچه، ۲۰۱۰: ص ۱۹۵/ ابن خلدون، ۱۳۳۶: ۳۰۴)

در دوره الناصر با توسعه اقتصاد و تجارت، آرامش داخلی و تشویق‌های خود خلیفه، مطالعات، تألیفات و ترجمه‌های مهمی در خصوص کشاورزی صورت گرفت که نشان از اهمیت موضوع و

توسعه علمی کشاورزی دارد، همچون کتاب «التقویم فی قرطبه» اثر عریب بن سعید قرطبی؛ عریب بن سعید این کتاب خود را به حکم المستنصر تقدیم کرد که حاوی اطلاعاتی در خصوص کشاورزی بود. در این کتاب به نحوه درختکاری، بستانکاری و باغداری پرداخته شده بود که معمولاً در پایان شرح هر یک از ماه‌های سال درج شده بودند (المراکشی، ۱۹۷۳: ص ۱۱۷ / سانشیر، ۱۹۹۸: ص ۱۳۶۷-۱۳۶۸) این کتاب را می‌توان در زمره آثار مهم و احتمالاً نخستین آثار در زمینه کشاورزی در اندلس دانست که منشأ تحول در کشاورزی آن سرزمین گردید. (ابن بصال، ۱۹۵۵: ص ۱۸۲)

ایجاد باغ‌های آزمایشگاهی برای فعالیتهای علمی کشاورزی در مدینه الزهرا و سیستم آبیاری مناسب که اعراب مسلمانان- با دانشی که از ایرانیان در این زمینه کسب کرده بودند- از مهمترین تدابیری به‌شمار می‌آید که به دستور عبدالرحمن الناصر در اندلس در پیش گرفته شد. «در دوره عبدالرحمن ناصر، رساله بسیار خوبی در موضوع «قنات و آبیاری» نوشته شد که با بهره از چنین شیوه‌های آبرسانی که کارآمدترین راه آبیاری در جامعه کشاورزی اندلس بود و حمایت خلفا از آن، این امکان فراهم آمد که آب‌های زیرزمینی را به منظور آبیاری به کار گیرند» (ابن غالب، ۱۹۵۶: ص ۲۸۵) و اینگونه با حفر قنات و کاریزها، شیوه‌ای نوین راه‌اندازی شد که آب‌های زیرزمینی را به آب‌ها و مزارع انتقال می‌داد و پیامد این تدبیر، رونق و شکوفایی سرزمینی بود که کشاورزی اصلی‌ترین درآمد آن به‌شمار می‌آمد.

صنعت

صنعت، یکی دیگر از بخش‌های مهم در اندلس است که مورد توجه خلیفه عبدالرحمن الناصر و حکم المستنصر قرار گرفت. در این دوره شاهد شکوفایی صنعت نساجی و معرفی اندلس به عنوان مهمترین مرکز تولید پارچه هستیم. چنانکه ادیسی جغرافی دان مشهور، از فعالیت ۸۰۰ کارگاه بافندگی در اندلس گزارش داده است. این کارگاه‌ها در شهر بندری المریه و بعد در مالقه (مالاگا)، اشبیلیه (سیویل)، غرناطه (گرانادا)، بالزا، مرسیه (مورثیا) و آلیکانته هم به کار افتاده است. (سالم، ۱۹۸۵: ص ۲۷۳-۲۷۴) لباس‌های برازنده و زیبا، معمولاً دستباف بود که در آنها رشته نخ‌هایی از جنس طلا به کار گرفته شده بود و به منزله لباس رسمی برای شرکت در مراسم شادمانی و ازدواج و مانند آن به کار می‌رفت و گاه نام سلطان و یا خلیفه را نیز بر سینه و یا بر آستین جامه گلدوزی می‌کردند. (گروس، ۱۳۸۱: ص ۳۴) کیفیت پارچه‌های تولید شده در اندلس تحسین اروپائیان را

برانگیخت. ظاهراً هنری قبطی و ساسانی در تغییر شکل پارچه‌های اندلسی در عصر بنی امیه تأثیری به سزا داشت، چرا که تصاویر این منسوجات با هنر ساسانی مشترک است. (همان: ص ۲۷۵)

در حوزه صنعتی، همچنین صنعت ساخت زیورآلات را در زمان خلیفه عبدالرحمن الناصر شاهدیم که در سال ۳۴۶ ق در قرطبه ایجاد کرد. بسیاری از این زیورآلات از نقره ساخته می‌شدند. این صنعت بعد به مدینه‌الزهرا منتقل شد و نقش صنعتی مدینه‌الزهرا در صنعت زیورآلات قابل توجه است. (مقری، ۱۴۱۹: ص ۹۵) محافظت از جواهرات در جعبه‌هایی ظریف، زیبا و گرانبها از جنس عاج و چوب که بر آن با انواع نقش و نگار، خاتم‌کاری و مرصع‌سازی کرده بودند، حکایت از رواج این صنعت در این دوره داشت. (گروس، ۱۳۸۱: ص ۳۸) با حکومت عبدالرحمن الناصر سیل طلای سودانی و احتمالاً عاج به اندلس سرازیر شد، چرا که در این زمان است که مجموعه‌ای از جعبه‌های عاجی با اهمیت در قرطبه و مدینه‌الزهرا ساخته می‌شد. در واقع معروف‌ترین جعبه‌ها به فرمانروایی حکم المستنصر مربوط می‌شود و در آنها صور خیالی مختلفی مشهود است. از جعبه‌های ساخته شده از عاج می‌توان فهمید که مراکز ساخت این جعبه‌ها در اختیار شاهزادگان یا خلفا بوده است، یکی در قرطبه و دیگری در طلیطله. به احتمال زیاد کارخانه‌ای در مدینه‌الزهرا قرار داشته است چرا که نام مدینه‌الزهرا بر روی بعضی از این جعبه‌ها نقش بسته است. شاید این کارخانه توسط عبدالرحمن الناصر در این شهر بنا شده باشد. البته همانطور که اشاره شد صنعت و هنر جعبه‌سازی از عاج در دوران حکم المستنصر شکوفاتر شد و لیکن هنگامی که خلیفه حکم در گذشت رونق هنر و صنعت جعبه‌سازی از عاج نیز ظاهراً با مرگ او به نوعی متوقف شد. (سالم، ۱۹۸۵: ص ۲۶۴)

با سیری در منابع تاریخی می‌توان چنین برداشت کرد که عبدالرحمن الناصر و به تبع وی المستنصر با مورد عنایت قرار دادن صنعت در انواع گوناگون آن، گام‌های بلندی در راه دگرگونی و پیشرفت این تخصص برداشتند که مهمترین پیامد آن اختصاص بازاری خاص برای هر حرفه و صنعت بود.

تجارت

صنعت و تجارت در عصر طلایی اندلس، ارتباط عمیقی با یکدیگر داشتند. هر صنفی دکاکین خود را در قسمتی از خیابان‌های شهر دایر نگاه می‌داشتند. دوران میانه، شهرهای اندلس مراکز اقتصادی مهمی برای بازرگانان و کالاهایی از تمام مناطق حوزه مدیترانه بود. این شهرها، بازارهایی را فراهم می‌آورد که در آن‌ها بازرگانان اندلسی و خارجی می‌توانستند به تجارت بین‌المللی

بپردازند. (مقدسی، ۱۴۱۱: ص ۲۲۹) بویژه در دوره الناصر و حکم المستنصر در پی پیروزی‌های گسترده امویان و سلطه آنها بر راه‌های تجاری و ایجاد امنیت و آرامش در راه‌ها و دور کردن نسبی خطر حملات داخلی و خارجی، بیش از دیگر دوران حکومت مسلمانان تجارت اندلس پیوند خود را با سایر مناطق مدیترانه اسلامی حفظ کرد. کالاها و بازرگانان آزادانه در مسیر جاده‌های زمینی و دریایی که بازارها اندلسی را به بازارهای مغرب و خاور نزدیک متصل می‌کرد، در رفت و آمد بودند. (ابن غالب، ۱۹۵۶، ص: ۲۸۳)

تجار در این دوره در مدینه الزهرا سه طبقه عمده را تشکیل می‌دادند که عبارت بودند از **طبقه اول**: خزان یا ذخیره‌کننده عمده کالا، تاجرانی غیر مهاجر که وقتی کالا ارزان بود آن را انبار می‌کردند تا هنگام بالا رفتن قیمت آن را به فروش رسانند. **طبقه دوم**: رکّاض، که شخصا به سفرهای تجاری برای خودشان می‌رفتند و یا در استخدام بازرگانان بودند که طبقه سوم تجار را تشکیل می‌دادند. **طبقه سوم**: بازرگانان که صادر کننده یا وارد کننده بودند.

از این سه گروه، با دامنه فعالیت‌های نسبتاً وسیع، به عنوان سازمان دهنده‌ای مرکزی برای شبکه‌ای گسترده از شرکای سیار و مقیم در خارج، عمل می‌کردند. بازرگانان با انتخاب شرکایشان، خود را به گروه‌هایی تجزیه می‌کردند که بر پایه منشا جغرافیایی، و مهم‌تر از آن بر اساس مذهب بود (همان: ص ۲۷۷) در این دوره بازرگانان مسلمان با حمایت خلفاء، گروه برتر از نظر اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را در تجارت اندلس تشکیل می‌دادند.

رونق بازار

گزارش‌های ارائه شده از درآمد حکومت مسلمانان در اندلس بر رونق بازار در دوره الناصر و پسرش دلالت دارد؛ چنانکه مورخان بیان می‌کنند تنها درآمدهای دولت از بازار در اواخر حکومت عبدالرحمان الناصر به پنج میلیون و چهارصد و هشتاد هزار دینار می‌رسید. منابع موجود نشان می‌دهد که بازرگانان مسلمان علائق تجاری گوناگون را دنبال می‌کردند و کالاهایی متنوع شامل منسوجات، مواد غذایی، ادویه، سنگ‌های قیمتی، پوست حیوانات، کتاب‌ها و بردگان را در بازارها معامله می‌کردند. (ابن غالب، ۱۹۵۶: ص ۳۰۱/ ابن عذاری، ۱۹۸۳: ص ۲۳۰) رونق و شکوفایی اقتصادی و رواج صنعت و تخصص باعث شده بود که شاهد بازارهایی خاص هر حرفه و صنعتی در اندلس باشیم. در کل، اندلسیان نسبت به پیشه‌وران و صاحبان حرفه توجه ویژه‌ای داشتند. در آنجا پیشه‌وران

و کسبه، سازمان‌هایی خاص تشکیل داده بودند. در رأس هر یک از آنها رئیسی از افراد آن حرفه بود که «امین» نامیده می‌شد (عبدالرؤف، ۱۹۵۵: ص ۵۶ و ۵۷) و توسط محتسب انتخاب می‌شد - در دولت اموی اندلس، سمت محتسب وابسته به مقام قضا بود و کار مهم محتسبین رسیدگی به امور بازار و ممانعت از غش و تقلب، نیرنگ بازاریان، دقت در وزن و پیمان‌ها بود و او را «صاحب السوق» یا بازاریان نیز می‌گفتند. (ابن عبدون، ۱۹۵۵: ص ۴۲) امین رابط میان محتسب و افراد هم حرفه‌اش بود، مطالب گروه را به اطلاع او می‌رساند و تکالیف آنان را در زمینه کالا و نرخ فروش معین می‌کرد و این خود حکایت از نظارت قضات و افرادی امین بر امر تجارت، رسیدگی بر امور بازرگانان، اجرای قانون و عدالت دارد که به تبع آن رونق بازار را در این دوره به همراه داشت.

تنوع مشاغل و حرف

اندلسیان به پیشه وران و صاحبان حرف توجه داشتند. چنانکه خدماتی همچون کتابداری، حسابداری، خدمات غذایی، خدمات پوشاک، خدمات ساخت و ساز، تسلیحات، خزانه‌داری و خدمات تجاری (بازار) در مدینه الزهرا انجام می‌شد. (ابن بسام شتترینی، ۲۰۰۰: ص ۵۰) در واقع مشاغل در مدینه الزهرا به دو دسته دولتی و خصوصی تقسیم می‌شد. مشاغل خصوصی عبارت بودند از نجاری، پزشکی، حکاکی روی چوب، عاج و فلز، سفالگری... این مشاغل توسط دولت هم مورد استفاده قرار می‌گرفت اما لزوماً شغل دولتی محسوب نمی‌شد چرا که مشاغل دولتی به نوعی سیاسی بوده و عبارت بودند از وزارت، قضاوت و

مشاغل خصوصی

- **نجاری**؛ صنعتگران مسلمان و بومی اسپانیا در نجاری و سفالگری و پارچه بافی شهره بودند و هنوز هم نجارهای اسپانیولی در حرفه‌ی خود کلماتی به کار می‌برند که نوعاً عربی است. (حتی، ۱۳۴۴: ص ۷۵۹) عاملی که به توسعه بازار نجارها کمک کرد ساخت شهرهای جدید مانند مدینه الزهرا در زمان عبدالرحمان الناصر بود. هنگام ساخت این شهر حدود ۲۰۰ نجار مشغول کار شدند. نجاران ۱۵۰۰۰ جفت درب از چوب مثبت کاری شده با روکش آهن و مس ساختند. (سید ناچه، ۲۰۱۰: ص ۱۷۱) با رونق عمران در اندلس، به طور خاص در ساخت مساجد و کاخ‌ها، بازار نجارها و صنعت چوب در ساخت منبرها به کار گرفته شد، از جمله می‌توان به منبر مسجد جامع قرطبه

اشاره کرد که از چوب های آبنوس و شمشاد و عود به دستور حکم المستنصر ساخته شد. (همان: ص ۱۶۳)

- **حکاکی بر سنگ، عاج، چوب و فلز؛** از دیگر مشاغل خصوصی بود. آثاری از مدینه الزهرا باقی مانده است که نشان می دهد در مدینه الزهرا گروهی از مردم به مشاغل فنی ای که با سنگ سر و کار داشت، اشتغال داشتند. بقایایی از این آثار باقی مانده است مانند سر ستون هایی که گفته شده این آثار در قرطبه و اشبیلیه ساخته شده بودند. (سالم، ۱۹۸۵: ص ۴۸) شاید از میان دیگر هنرها، کنده کاری روی عاج و سپس چوب و فلز مهمترین و ممتاز ترین مقام را داشته باشد. آثاری که بر پایه آلیاژهای فلزی بود اغلب با کنده کاری تزیین می شد. از جمله انواع چراغ های ایستاده و آویزان در شکل های متنوع، مجسمه های فلزی، آبگردان ها، فواره ها و... چنانکه کمتر وسیله ای از جنس چوب و فلز و عاج را در این دوره می توان مشاهده کرد که سطح آن با طرح های زیبا و حواشی تزیینی کنده کاری یا پوشانده نشده باشد. «تعداد زیادی از صندوقچه ها و جعبه های عاج متعلق به قرن ۴ ق نشان از رواج مثبت کاری در قرطبه و مدینه الزهرا است.» (کوئل، ۱۳۶۸: ص ۲۷) به احتمال زیاد نقوش حک شده روی جعبه های ساخته شده از عاج بر اساس سنت های فارسی است، که شامل تصاویری از حیوانات است که در مقابل یکدیگر قرار دارند، یا توسط حیوانات دیگر شکار شدند، یا شکل پرندگان بالدار. اما «تصاویر آدمیان معمولاً نشان دهنده مجالس شادی و نشاط شاهزادگان و خلفاست و یا تصاویری از شکارچیان. این موارد از رایج ترین موضوعات در هنر فارسی است.» (سالم، ۱۹۸۵: ص ۲۶۴) یکی از زیباترین عاج های به جا مانده از این دوره، متعلق به مغیره برادر کوچک حکم المستنصر است که تصاویری از دربار شاهی را بر خود دارد و اوج هنرهای تزیینی در مدینه الزهرا را نشان می دهد. (همان: ۲۶۵)

- **سفالگری؛** در قرن ۴ ق امویان اندلس تکنیک جدید مهمی که در اروپا به عنوان کاشی معرق معروف بود، عرضه کردند. نقش مایه ها با رنگدانه هایی که در آتش می سوخت و خط سیاه ماتی باقی می گذاشت، دورگیری می شد که مانع موثری برای جلوگیری از شره کردن لعاب بود. ظروفی در مدینه الزهرا به دست آمده است که در آنها از تکنیک معرق همراه با لعاب های سفید یا سبز روشن استفاده شده است. سفالگری در این دوره بیشتر محدود به ساخت کوزه های دسته دار و گلدان های منقش آراسته به رنگ سبز و قهوه ای بر زمینه زرد بوده است. الهام اساسی هر دو گونه از بین النهرین گرفته شده که با سرعت بسیار در محل تولید و توسعه یافته است. (مقری، ۱۴۱۹:

ص ۲۰۲-۲۰۳) در حفریات مدینه الزهرا قطعات ظروف شیشه‌ای، کاشی نقش برجسته با لعاب رنگین و گلدان‌هایی با نقوش گل و گیاه پیدا شده که خصوصیت آن بیشتر ایتالیایی بود تا اسلامی. (کوئل، ۱۳۶۸: ص ۱۷۳)

مشاغل دولتی (دیوانی)

ساختار سیاسی مدینه الزهرا تابع خلافت اموی اندلس بود. این شهر اریکه قدرت و مرکز اقتدار خلیفه اموی به شمار می‌آمد. در کنار خلیفه، دیوان‌ها و مشاغلی قرار می‌گرفتند و نزدیکترین قدرت به خلیفه حاجب بود. قدرت حاجب گاه به پایه‌ی می‌رسید که خلفا از آن بیمناک می‌شدند. بستگان سلطان، اعضای خاندان اموی و پیروان آنها از خاندان عرب در رأس حکومت قرار داشتند و خاندان‌های عرب از تبار کم و بیش اصیل، مسئولیت رده بالای حکومت، حکمرانی منطقه و مناصب ارتشی را بر عهده داشتند. (عنان، ۱۳۶۶: ص ۴۹۸-۵۰۰) در واقع وزارت امویان اندلس مانند وزارت عباسیان در خانواده‌های معینی به ارث می‌ماند. از جمله مشاغل دیوانی عبارتند از:

- حاجب؛ رابط بین خلیفه و وزیر بوده است. (زناتی، ۲۰۰۸: ص ۱۸۵) نفوذ حاجب در این دوره افزایش یافت.

- وزارت: وزارت در اندلس در عهد امویان در واقع جانشینی برای خلیفه و مشاور در امور دولت بوده است. وزارتخانه‌ها در مدینه الزهرا عبارت بودند از: خطه الرسائل، خطه الوقوف و الصدقات، خطه الخراج، خطه الجنود، خطه الرد و ...

- کتابت: کسی که نوشتن نامه بر عهده اوست و صاحب الکاتب نامیده می‌شود. برای مثال زمانی که خلیفه حکم المستنصر به خلافت رسید جعفر بن عثمان بن نصر را وزارت داد و کاتب خاص خود گردانید. (عنان، ۱۳۶۶: ص ۵۰۰)

- قضاوت: عبدالرحمان الناصر به منصب قضاوت که در رأس آن قاضی القضاة و قاضی الجماعه بود، احترام بسیار قائل بود. (زناتی، ۲۰۰۸: ص ۱۸۶) این احترام از دو جهت بود؛ اولاً قضاة آن زمان متولی اجرای احکام اسلام بودند که قانون اساسی آن قرآن بود. در ثانی، منصب قضاوت از قدرت‌هایی بود که بیانگر اراده امت و سلطان به شمار می‌رفت.

- شرطه؛ شرطه در اندلس ۳ نوع بود؛ الشرطه کبری (الشرطه العلیا) که محافظت از برخی مرزها، رسیدگی به مسائل خاص مردم و بزرگان دولتی و دستگیری مجرمان را بر عهده داشت. (همان: ص ۹۰) الشرطه الصغری، که به امور عموم مردم رسیدگی می‌کرد. الشرطه الوسطی، که خلیفه عبدالرحمن الناصر آن را ایجاد کرد که مختص طبقه تاجران، صاحبان کارگاه‌ها و کارفرمایان بود و حفظ امنیت آنان را بر عهده داشت. (ابن عماد، ۱۳۹۹: ص ۲۶۳)

- حسبه؛ وظیفه آن نظارت بر بازارها بود و از میان قضاات انتخاب می‌شود و خراج: صاحب خراج در اندلس جایگاهش از وزیر بالاتر بود. (زناتی، ۲۰۰۸: ص ۱۸۸)

خلیفه عبدالرحمن الناصر، ساختار سازمان اداری و اقتصادی دولت را تنظیم کرد، او از کار آمدترین افراد دولتی برای این امور استفاده می‌کرد و مناصب بالای دولتی را به آنان واگذار می‌نمود. عبدالرحمن الناصر و پسرش حکم المستنصر به دلیل اعتماد به صقالبه بیشترین مناصب دولتی را به آنان واگذار کردند (همان: ص ۸۹)

درآمدهای دولت و تشکیلات مالی

از نظر شرایط اقتصادی، اندلس در عصر حاکمیت الناصر و حکم، جامعه‌ای به حساب می‌آید که شالوده آن بر مسائل مالی و تشکیلاتی مستقل استوار است. در تشکیلات مالی این دوره ۳ نوع بیت المال وجود داشت:

✓ بیت المال عمومی

✓ بیت المال مخصوص خلیفه

✓ اموال موقوفه

هر یک از این بیت المالها سازمان مخصوص و جداگانه داشت. دارائی خلیفه بسیار شگفت انگیز بود در قرن ۴ ق درآمد سالیانه خلیفه را به ۷۶۵۰۰۰ دینار تخمین زده‌اند. تقریباً یقین است (هر چند قابل اثبات نیست) که دارایی وقف شده، زمین‌های دولتی (صوافی، صفایا) و مال الخاصه از پرداخت عشر معاف بودند. (ابن حیان، ۱۹۷۹: ص ۲۴۳)

منابع اصلی خزانه دولت شامل خراج، جزیه و خمس بود. (زناتی، ۲۰۰۸: ص ۱۹۲) در این عصر عبدالرحمن الناصر و خلیفه حکم المستنصر مالیات غیر قانونی را لغو، و مالیات ثابت مشروع و قانونی را اعمال می‌کردند. آن چنان که، مالیات‌بندی بر اساس اعتقاد دینی صورت می‌گرفت. (سید ناقه، ۲۰۱۰: ص ۳۶۵) بدین لحاظ یک نوع مالیات (عشر) برای مسلمانان و نوعی دیگر برای غیر مسلمانان (ذمی) وضع و سپس مالیات اخیر به دو نوع جزیه و خراج تقسیم می‌شد که به نوع خود قابل توجه بود.

- خراج؛ اقتصاد اندلس مبتنی بر کشاورزی است، نتیجه توجه دولت به زراعت موجب بهبود شرایط مزرعه‌داران و معافیت مالیات کشاورزی شد. (سالم، ۱۹۸۵: ص ۹۲) مالیاتی که بر اراضی مسلمانان می‌بستند یک دهم محصول بود، به عکس، مسیحیان می‌باید یک پنجم بپردازند، یعنی دو برابر مسلمانان. تعرفه برای محاسبه تولید خالص کشاورزی عبارت بود از: ۵٪ برای زمین‌هایی که آبیاری مصنوعی می‌شدند و ۱۰٪ برای زمین‌هایی که این گونه آبیاری نمی‌شدند. خلفای اندلس بر کالاها و اجناس هم مالیات می‌بستند، مسلمانان دو و نیم درصد و مسیحیان پنج درصد می‌پرداختند. این نوع مالیات را زکات می‌نامیدند و همگی صرف کمک به فقرا و آزادان می‌گردید. (سالم، ۱۹۸۵: ص ۹۴-۹۲)

ابن حوقل در مورد مالیات چنین می‌گوید: «منابع (مراقق) و عواید مالیاتی (جبايات) موجود، (برای خلیفه اندلس) گنجینه‌ها و کالاهای وی یکی از نشانه‌های این ثروت فراوان آن است. که پرداخت‌های سالانه برای حق الضرب پول به ۲۰۰۰۰۰۰ دینار رسید. به این مبلغ باید موارد زیر افزوده شود: صدقه (بر احشام) کشور، مالیات‌هایش (جبايات)، مالیات‌های منطقه‌ای (خراجات) عواید حاصل از زراعت مالیاتی (ضمانات) عوارض حمل و نقل (مراصد) عوارض گمرکی (اموال) دریافت شده از کالاهای صادراتی یا وارداتی از راه دریا و حقوق مربوط به معاملات (رسوم البیوع)». (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ص ۱۰۸)

- جزیه؛ مسیحیان علاوه بر یک پنجم محصول، جزیه هم می‌پرداختند. این پولی بود که هر فرد مسیحی در مقابل حفظ جان و مال و متاع و آزادی دین خود توسط مسلمانان باید می‌پرداخت. ولی اگر یک فرد مسیحی مسلمان می‌شد از پرداخت جزیه معاف می‌گردید. (ارسلان، ۱۳۷۰: ص ۲۹۶) در حقیقت، در عصر حکمرانی عبدالرحمن الناصر و در میان سال‌های ۳۰۱ ه.ق تا ۳۰۵ ه.ق ذخایر

ارزی و اندوخته مالی و دارایی این کشور برابر با مبلغ شصت و پنج بیلیون امروزی بود. درآمد و ثروت و غنای مالی عظیم تا بدین میزان، بر شکوفایی اقتصاد، پیشرفت کشاورزی، گستردگی دامنه صنعت و اشتغال و بازرگانی داخلی و خارجی دلالت داشت. (گروس، ۱۳۸۱: ص ۵۹)

میزان عوارض در زمان عبدالرحمن الناصر در سال ۳۴۰ه.ق حدود بیست هزار دینار (بیست میلیون) بود. (سید ناچه، ۲۰۱۰: ص ۳۶۵) درآمدهای دولت به حدی هنگفت بود که گاه باعث وسوسه عمال حکومتی می شد آن چنان که مبالغ اختلاس شده توسط ماموران الناصر از بودجه ۵۴۸۰۰۰۰۰ دیناری چنان زیاد بوده که منجر به باز پس گیری و مصادره ۲۰۰۰۰۰۰۰ دینار توسط حکم المستنصر شده بود (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ص ۱۱۲).

ضرب سکه

از دیگر اقدامات اقتصادی، ضرب سکه بود که اولین بار در سال ۳۱۷ ق توسط عبدالرحمان الناصر صورت گرفت. ضمن این که در این دوره وجود طلای سودانی برای اندلس ثابت شده بود و خلیفه عبدالرحمن الناصر برای تامین منابع طلای اندلس متوجه طلا در غرب آفریقا شده بود. بین سالهای ۳۰۸-۳۱۸ ق که اندلس بر تعدادی از بنادر در شمال آفریقا تسلط یافت، از جمله مزایای تسلط بر این بنادر، علاوه بر دفع خطر حمله فاطمیان، دسترسی به طلاهایی بود که در غرب آفریقا وجود داشت. در زمان حکم المستنصر نیز ورود طلای سودانی به اندلس همچنان ادامه داشت، که از سبته به مغرب اقصی و از آنجا به اندلس می آمد و موجب رونق اقتصادی شد. (سید ناچه، ۲۰۱۰: ص ۱۶۶) که ضرب سکه و احداث دارالسکه یا دارالضرب از پیامدهای این رونق اقتصادی بود. ابن حوقل مبلغ سالانه ی قابل پرداخت برای حق الضرب مسکوکات را به عنوان شاخص مهم ثروت و دولتمندی خلافت مطرح کرده است. (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ص ۱۱۰)

از مدینه الزهرا در سده ی ۴ ق سکه ای به نام عبدالرحمن الناصر به جای مانده که در میان سال های ۳۰۱ تا ۳۰۵ بود. (گروس، ۱۳۸۱: ص ۷۱) همچنین در این دوره صنعت ساخت طلا و نقره در اندلس رونق گرفت، در این زمینه اندلس یک رقیب جدید برای بیزانس محسوب می شد. (سید ناچه، ۲۰۱۰: ص ۱۶۵) در سال ۳۳۶ ق دارالضرب از قرطبه به مدینه الزهرا انتقال یافت، و ضرب سکه تا سال ۳۶۴ه.ق همچنان ادامه داشت. (زناتی، ۲۰۰۸: ص ۳۲۱)

هزینه‌های دولت در عصر طلایی اندلس

درباره هزینه‌های دولت اموی در این عصر، با توجه به درآمدهای هنگفت و ثروت فراوان خزانه، در زمان عبدالرحمن الناصر، او هزینه‌های دولتش را ۳ قسمت کرد: بخشی برای هزینه‌های سپاه، بخشی برای امور عمرانی و ساخت و ساز، بخش دیگر هم برای هزینه‌های پیش بینی شده یا اصطلاحاً امور غیر مترقبه. (مقری، ۱۴۱۹: ص ۲۹۵)

- **هزینه‌های سپاه؛** عبدالرحمن الناصر نسبت به سایر خلفای اموی توجه بیشتری به نیروی‌های نظامی بالاخص تقویت نیروی دریایی داشت و برای این منظور هزینه‌های هنگفتی برای اصلاح در ناوگان دریایی و تقویت و تجهیز آن و کارگاه‌های کشتی سازی صرف کرد تا از این طریق با فاطمیان مقابله کند. تعداد این کشتی‌ها در دوران او ۲۰۰ کشتی بود که در دوران حکم به ۶۰۰ کشتی افزایش یافت. علاوه بر نیروی دریایی در نیروی زمینی نیز هزینه‌های زیادی صرف کردند، از جمله این هزینه‌ها ساخت دژها و قلعه‌هایی در مرزها برای حفاظت از مرز و بالا بردن استحکامات دفاعی بود که سپاهیان در آن مستقر می‌شدند. علاوه بر این عبدالرحمن الناصر در شهر «طرطوشه»، مرکزی صنعتی برای ساخت و تعمیر کشتی احداث کرد.

- **عمران و شهرسازی؛** یکی از جلوه‌های پیشرفت و رفاه اقتصادی در دوره خلافت و حاکمیت این دو خلیفه قدرتمند اموی، دستاوردهای تمدنی است. معماری یکی از مظاهر پیشرفت تمدن به شمار می‌آید و بر رفاه اقتصادی موجود در آن سرزمین صحنه می‌نهد. اندلس در عصر طلایی، تمام عناصر شایسته را در اختیار داشت و حقیقتاً تمام این‌ها ماحصل دوران خلیفه الناصر و حکم بود. قرطبه به‌عنوان پایتخت، تجسم گر مظاهر شکوفایی و تحول آن دوره بوده و یکی از بزرگ‌ترین و زیباترین پایتخت‌های جهان به‌شمار می‌آمد. (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ص ۱۰۷) که با مساجد بسیار، ساختمان‌ها و بناهای زیبا، میدان‌ها و باغ‌هایش به شهرت رسید. (مقری، ۱۴۱۹: ص ۴۴۶) آب مشروب شهر قرطبه از کوه‌های مجاور تهیه می‌شد که به وسیله لوله‌های سربی به داخل شهر می‌آمد و در میان محله‌ها تقسیم می‌شد. مخزن‌های آب از سنگ مرمر و ورق‌های برنجی ساخته شده بود. در وسط مخزن بزرگ شهر، مجسمه شیری قرار داشت که با ورق‌های طلا پوشیده شده بود و آب از دهانش می‌ریخت. جان دراپر درباره پیشرفت مسلمانان در شهرسازی و عقب‌ماندگی سایر کشورها در این زمینه می‌نویسد: «۷۰۰ سال پس از نصب چراغ‌ها در دو سوی خیابان‌های قرطبه، حتی یک چراغ هم

بررسی و تحلیل اوضاع اقتصادی عصر طلایی اندلس در دوره حاکمیت...

در خیابان‌های لندن و پاریس وجود نداشت و قرن‌ها پس از آن، عابران پیاده لندن و پاریس، در روزهای بارانی تا قوزک پا در گل فرو می‌رفتند.» (مقری، ۱۴۱۹: ص ۲۹۴-۲۹۵)

گردشگاه‌های دوقلو در مدینه الزهراء، تالارهای ضیافت، کاخ‌های دارالروضه، دارالملک، دار ضیافه، المجلس المونس، (تالار سفیران)، دارالجند، دار رضوان و مسجد جامع مدینه الزهراء در زمرة مشهورترین دستاوردهای معماری اندلس است که تمدن و شکوفایی اقتصاد را در دوران حکومت الناصر و حکم به نمایش می‌گذارند.

- ذخیره برای سایر هزینه‌های غیر مترقبه؛ درآمدهایی که برای هزینه‌های خاص ذخیره می‌شد عبارتند از صدقه و زکات. یکی از انگیزه‌های صدقه دادن در منابع اندلسی کمک به افرادی است که اصل و نسب شریف دارند و دارایی خود را از دست داده‌اند. خلیفه حکم المستنصر به وضعیت این افراد بسیار توجه داشت زیرا در رمضان ۳۶۲ ق دستور خاصی برای جستجو و یافتن این قبیل افراد صادر کرد و آنها را در زمرة دریافت‌کنندگان اصلی صدقات توزیعی قرار داد. (ابن حیان، ۱۹۷۹: ص ۲۴۸)

در مورد هزینه‌های غیر مترقبه می‌توان به یک مورد قحطی در سال ۳۵۳ ه. ق در زمان حکم المستنصر اشاره کرد که حکم از نیازمندان حمایت کرد و با توجهات او نیازها و هزینه‌های ربض‌های قرطبه و الزهرا برآورد شد. او کالاها را به صورت رایگان در اختیار بازار قرار داد. (عنان، ۱۳۶۶: ص ۴۸۲)

پیش‌بینی روزهای سخت برای یک سرزمین و اختصاص دادن بخش قابل توجهی از ثروت و ذخایر مالی یک دولت، برای چنین ایامی (به دنبال بلایای طبیعی و یا عواقب جنگ) و در جهت کمک به نیازمندان و اقشار ضعیف جامعه و بر پا نگه‌داشتن بنیان حکومت، بی‌شک بر تدبیر حاکم و آشنایی وی با آیین حکومت‌داری دلالت دارد و ما در بررسی عصر طلایی اندلس شاهد چنین اقدامات مدبرانه‌ای از سوی خلیفه عبدالرحمن ناصر و حکم المستنصر هستیم، حاکمانی که در دوران فرمانروایی خویش و تا سال‌ها پس از آن، اندلس را به عنوان نمادی از تمدن اسلامی در جهان مطرح کردند.

نتیجه گیری

ایجاد یک تمدن ریشه‌دار و استوار، متأثر از ساختار و نوع نظام حکومتی و بنیادهای اجتماعی حاکم بر آن در یک برهه تاریخی است که امنیت و آرامش، رفاه اجتماعی و پیشرفت اقتصادی را برای افراد جامعه به بار می‌آورد. در این پژوهش با این فرضیه که اندلس در زمان حکومت مسلمانان دوره ای از شکوفایی تمدن، رونق و شکوفایی اقتصادی را تجربه کرده است به بررسی عصر طلایی تاریخ اندلس پرداخته شد که مصادف با دوران حکومت عبدالرحمان الناصر و حکم المستنصر است. این که چه عوامل و عللی زمینه‌ساز تحولات اقتصادی چنین عصری در اندلس شده و دست‌آورد‌های حاکمان نام‌برده چه پیامدهایی را در پی داشته است موضوع و مساله مهمی بود که در این پژوهش به آن پرداخته شد و در نهایت با توجه به مطالب مطرح شده نتایجی به دست آمد که در ذیل به آنها اشاره می‌کنیم:

با به حکومت رسیدن عبدالرحمان سوم ملقب به الناصر و پس از او فرزندش حکم المستنصر حکومت مسلمانان در اندلس احیا شد. تدابیر این دو خلیفه اموی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و کنترل و کاهش بحرانهای داخلی و خارجی، اندلس اسلامی وارد مرحله طلایی تاریخ خود کرد و این امکان فراهم شد که با آسودگی و با خزانه‌ای پر که بخش عمده آن حاصل تحرکات نظامی و برآمده از غنایم جنگی بود، به امور داخلی و فعالیت‌های اقتصادی، تجاری و عمرانی روی آورند. پیامدهای ستودنی این اقدامات، رشد صنایع مختلف؛ از جمله نساجی، کاغذسازی، نجاری، سفالگری، اجرای شیوه‌های نوین در زمینه رشد و شکوفایی زراعت، حمایت مالی الناصر از تالیفات مرتبط با علم کشاورزی، رونق تجارت و بازار، افزایش درآمدهای دولت و رشد تمدنی و عمرانی که بقایای آنها خصوصاً در قرطبه امروزه موجب حیرت و شگفتی بازدید کنندگان است. دستیابی به این شکوه و عظمت بی‌شک مرهون تدابیر عبدالرحمن الناصر و فرزندش حکم المستنصر که با پیروزی‌های پیاپی و ایجاد امنیت و ثبات بر راه‌های تجاری زمینی و دریایی تسلط یافتند و ضمن پیوند بازار اندلس به بازارهای مغرب و خاور نزدیک زمینه رفت و آمد و تجارت آزاد بازرگانان را فراهم آوردند. علاوه بر این، سیاست تنظیم دستمزدها و ثبت آن‌ها، ایجاد یک ساختار منظم اداری و اقتصادی و به کار گماشتن افراد خبره در هر سمت (حاجب، وزارت، شرطه، قضاوت، امین، حسبه و خراج)، دوراندیشی خلفای مذکور و اختصاص یافتن بخشی از درآمدهای ذخیره شده به رفاه و بهبود معیشت مرمغان این سرزمین در ایام سختی و تنگدستی، لغو مالیات‌های غیر قانونی و اعمال

بررسی و تحلیل اوضاع اقتصادی عصر طلایی اندلس در دوره حاکمیت...

مالیات ثابت مشروع و قانونی بر اساس اعتقاد دینی، سبب شد که اقتصاد اندلس که شالوده آن بر مسائل مالی و اخذ مالیات از بخش‌های مختلف استوار بود از فساد دور باشد و اینگونه نام اندلس در عصر طلایی آن به عنوان نمادی از پیشرفت جامعه اسلامی در جهان مطرح شود.

منابع عربی و فارسی:

الف: کتاب

- ۱) ابن أبار، أبو عبدالله محمد. (۱۹۶۳). *الحلّة السیراء*، تحقیق حسین مؤنس، قاهره: الشركة العربیة للطباعة والنشر.
- ۲) ابن بسام شتترینی، علی. (۲۰۰۰). *الذخیره فی محاسن اهل الجزیره*، ج: ۱، احسان عباس، بیروت: دارالمغرب الاسلامی.
- ۳) ابن بصال، عبدالله محمد بن ابراهیم. (۱۹۵۵). *الفلاحه*، خوسیح ماریا میاس بیکروسا و محمد عزیزمان، تطوان، مطبعة کریمادس.
- ۴) ابن حوقل، محمد. (۱۹۳۸). *صورة الارض*، بیروت: دار صادر، چاپ دوم.
- ۵) ابن حیان، (۱۹۷۹)، *المقتبس (الجزء الخامس)*، تحقیق شالمیتا، مادرید.
- ۶) ابن خلدون، عبد الرحمان، (۱۳۳۶)، *مقدمه ابن خلدون*، ترجمه محمد پروین گنابادی، جلد ۶، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب،
- ۷) ابن عبدالرؤوف، احمد بن عبدالله. (۱۹۵۵). «رسالة ابن عبدالرؤوف»، در *ثلاث رسائل اندلسیة فی آداب الحسبة و المحتسب*، چاپ لویی پروونسال، قاهره: مطبعة لمعهد العلمی الفرنسی لآثار الشرقیة.
- ۸) ابن عبدون تجیبی، محمد بن احمد. (۱۹۵۵) «رسالة ابن عبدون»، در *ثلاث رسائل اندلسیة فی آداب الحسبة و المحتسب*، چاپ لویی پروونسال، قاهره: مطبعة لمعهد العلمی الفرنسی لآثار الشرقیة.
- ۹) ابن عذاری مراکشی، أبو عبد الله محمد بن محمد. (۱۹۸۳) *البيان المغرب فی أخبار الأندلس والمغرب*، تحقیق: ج. س. کولان، إ. لیفی بروفنسال، لبنان: دار الثقافة.
- ۱۰) ابن عماد، عبدالحی. (۱۳۹۹). *شذرات الذهب فی اخبار من ذهب*، بیروت: دارالمسیره.

- ۱۱) ارسلان، شکیب. (۱۳۷۰). تاریخ فتوحات مسلمانان در اروپا، علی دوانی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم.
- ۱۲) زناتی، سالم عبدالله. (۲۰۰۸). تاریخ الاندلس و حضارتها فی عهد بنی امیه (خلال عصر الخلفه)، بنغازی-لیبی: دارالکتب الوطنیه، الطبعه الاولی.
- ۱۳) سالم، عبدالعزیز. (۱۹۸۵). فی تاریخ و الحضاره و الاسلام فی الاندلس، اسکندریه: موسسه شباب الجامعه.
- ۱۴) سانشر، غارسیا ایکسپراثیون. (۱۹۹۸). الزراعة فی إسبانيا المسلمة، ج ۲، ط ۱، موسوعه الحضارة العربیة. الإسلامیة.
- ۱۵) سید ناقه، ابراهیم. (۲۰۱۰). دراسات فی تاریخ الاندلس الاقتصادی (الاسواق التجاریه و الصناعیة) فی الاندلس فی عصری الخلفه الامویه و الخلفه الموحدیه، اسکندریه: موسسه شباب الجامعه.
- ۱۶) عنان، محمد عبدالله. (۱۳۶۶). تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: موسسه کیهان، چاپ اول.
- ۱۷) کوئل، ارنست. (۱۳۶۸). هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، تهران: انتشارات توس، چاپ سوم.
- ۱۸) گروس، خسو. (۱۳۸۱) گزارش زندگی در اسپانیای اسلامی، ترجمه محمد دامادی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۹) لوبون، گوستاو. (۱۳۸۰). تمدن اسلام و عرب، تهران: نشر افراسیاب، چاپ دوم.
- ۲۰) لیلی احمد نجار. (۱۴۰۲ - ۱۴۰۳)، العلاقات بین المغرب و الاندلس فی عهد عبدالرحمن الناصر (۳۰۰ - ۳۵۰ / ۹۱۲ - ۹۶۱ م)، مکه مکرمه: جامعه ام القرى.
- ۲۱) المراكشى، ابی عبدالله محمد بن محمد. (۱۹۷۳). الذیل و التكملة لكتاب الموصول و الصله، تحقیق احسان عباس، ج ۳، تونس دارالغرب الاسلامی، ص ۱۱۷
- ۲۲) مقدسی، أبو عبدالله محمد بن أحمد، (۱۴۱۱)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، قاهره: مکتبه مدبولی.
- ۲۳) مقری، احمد ابن محمد. (۱۴۱۹)، نفع الطیب من غضن الاندلس الرطیب، یوسف بقایی، بیروت: دارالفکر.

ب: مقالات:

غریب، احمد حبتیر. (۲۰۱۳). « عبدالرحمن الناصر و اعلان الخلفه الامويه فی الاندلس ۹۲۹/۳۱۶ م و اثرها فی العلاقات الخارجیه »، مجله جامعه تکریت للعلوم، المجلد ۲۰، العدد ۱۲، كانون الاول، صص ۲۶۲-۲۹۰.